



بنای یادبود آزادی اردوگاه مرگ بوخنوالد به دست اسرا

ترانه ی غزل غزل ها (دختران ماوتهاوزن) یکی از ترانه های آلبوم "ترانه های میهن تلخ و ماتهاوزن" اثر دو شاعر یونانی یانووس ریتسوس و یاکووس کامپانل لیس است. ترانه مشهور "دختران ماتهاوزن" روی شعر لیس ساخته شده است.

شعر ترانه در واقع اقتباسی است از غزل پنجم از مجموعه ی هشت گانه "غزل غزل های سلیمان" که در کتاب مقدس یهودیان (عهد عتیق) به نقل از سلیمان نبی آمده است آنجا که دختران اورشلیم را به چشمانشان سوگند می دهد که آیا محبوب زیبای او را ندیده اند؟ و سپس محبوب خود را توصیف می کند.

کامپانل لیس، این غزل را دستمایه شعر خود کرده است، چنان که گویی سلیمان این بار در بدر در اردوگاه های کار اجباری نازی ها بدنبال معشوق خویش می گردد. او دختران

درباره ترانه

غزل غزلها

دختران ماوتهاوزن

آهنگساز:

میکیس تیودوراکیس

با صدای:

ماریا فارانتوری

شعر:

یاکووس کامپانل لیس

ترجمه:

احمد شاملو

بهراد
توکلی

آشویتس، داخائو، برگن بلزن و ماتهاوزن را خطاب می کند که شما محبوب زیبای مرا ندیده اید؟

تصویر سمت راست: میکیس نیودوراکیس

تصویر سمت چپ: احمد شاملو



جوانان قیام گنوی ورشو



شرکت کنندگان در قیام گتوی ورشو پس از دستگیری توسط نازی ها

و در تمهیدی موسیقایی، گروه کر در نقش دختران دربند اردوگاههای اجباری پاسخ او را می-دهند و از او نشانی می دهند: در میدانگاهی یخ زده همچون سایر اسیران منتظر مرگ، بی جامه ای بر تن و شانه ای بر موهایش...

آنچه شعر را در اوج تاثیرگذاری خود قرار می دهد، همگنی نژادی و دینی دختران اورشلیم با دختران ماتهاوزن از یک سو و بر هم ریختن هم ارزی های آشنای ذهن در مقابل قرار دادن عشق با مرگ، بجای عشق با زندگی است. تضاد زیبایی و عشق با مرگ، ذهن را به تضاد دیوانه واری می کشاند که در مفهوم انسان در فرایند دهشتناک هولوکاست تا کنون هم بشریت را پس از گذشت نزدیک به هشتاد سال از آن واقعه در شوکی عمیق فرو برده است.

صدای ساز گیتار بیس، گاه نماد قدم های سنگین سلیمان و گاه نماد طپش قلب جستجوگر او به دنبال نشانه ای از محبوب زیبایش در جهنمی از زشتی هاست و ملودی های او ملتمس و دارای اختتامی معلق در طنین پاسخ همسرایان محو می شوند که واقعیت های دهشتناک اردوگاه های



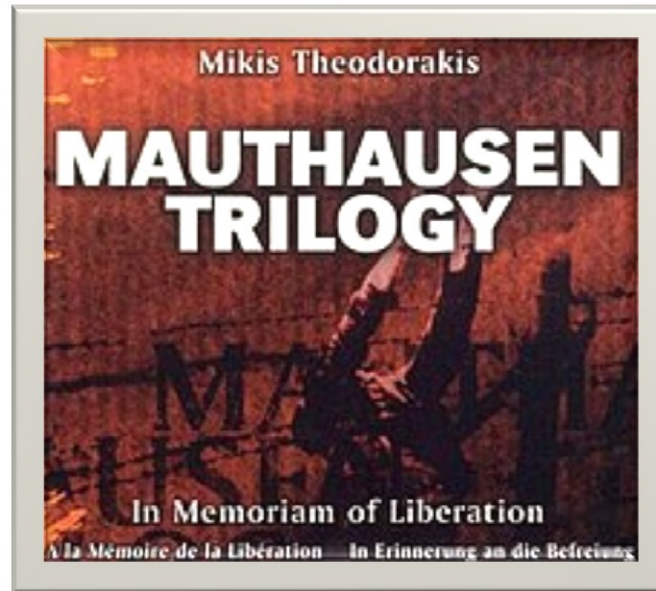
تیودور اکیس و فارانتوری در هنگام اجرای غزل غزل ها

مرگ را پیش روی او قرار می دهند و خود با کادانس هایی ناقص گویی جای خالی ولی محتوم مرگ را در انتهای سرود خویش تصویر می کنند. تضاد میان ملودی های بالارونده ی تکخوان و پایین رونده ی همسرایان نیز از سوی دیگر تقابل امید و عشق و مرگ را به تصویر می کشد.

یادگار از عشق ها و امید ها و آرزوهایی که از دودکش های سر سیاه کوره های جسد سوز به فضای سهمگین ستم پر آسمان پراکند و تمامی باورهای بشر را به سخره گرفت که حقیقت نه عصای نجات بخش و نیل، که دودکش های سیاه بلزن بود...

بهراد توکلی

اردیبهشت ۱۳۹۸



غزل غزل ها

یاکووس کامپانل لیس

ترجمه احمد شاملو

چه زیباست محبوب من
 در جامه ی همه روزی خویش
 با شانه ی کوچکی در موهایش!
 هیچ کس آگاه نبود که او این چنین زیباست.
 ای دختران آوش ویتس
 ای دختران داخاو
 شما محبوب زیبای مرا ندیده اید؟
 در سفری بس دراز بدو بر خوردیم
 نه جامه ای بر تن داشت، نه شانه یی در موی



چه زیباست محبوب من
 که چشم و چراغ مادرش بود
 و برادر سراپا غرق بوسه اش می کرد!
 هیچ کس آگاه نبود که او اینچنین زیباست.
 ای دختران ماوت هاوزن
 ای دختران بلزن
 شما محبوب زیبای مرا ندیده اید؟
 در میدانگاهی یخزده بدو بر خوردیم،
 شماره یی بر بازوی سپیدش داشت
 و ستاره ی زردی در قلبش.

آرمان:

برای فیلم اجرای این ترانه در یوتوب با این عنوان جستجو کنید:
 Song of songs -The Ballad Of Mauthausen - Mikis Theodorakis